

داوران:

اجرا هادر خور توجه
ورضایت بخش بود



دوازدهمین دوره جشنواره ملی موسیقی جوان در ۱۲ شهریورماه میزبان بخش ویژه موسیقی دستگاهی، آهنگسازی بود. نگار بوبان، احسان ذبیحی فر، محمدرضا فیاض، سیامک آقایی و حسین علیزاده داوران بخش ویژه آهنگسازی را تشکیل می‌دادند.

محمدرضا فیاض داور این بخش جشنواره درباره اجراها گفت: «بخش قابل توجهی از اجراها بسیار درخور توجه بود. ولی مقدم بر اجرای هنرمندان فکر می‌کنم ایده اصلی جشنواره و سیاست‌گذاران جشنواره و این که چطور بر موازین کلاسیک نگاهی خلاقانه‌تر بر موسیقی داشت. این اولین تجربه بودوامیدوارم سنگ بنای خوبی باشد.»

او ادامه داد: «فکر می‌کنم نقطه قوت توانایی فنی و اجرایی و البته تکنیکی باشد و در مورد نقاط ضعف فکر می‌کنم هنوز دستگاه فکری که بتواند راهگشای این توانایی‌های تکنیکی باشد به انسجام کافی نرسیده است و فکر می‌کنم با گسترش انواع مباحث نظری در حوزه این که چطور می‌شود در عین پایبندی به چهارچوب‌ها موسیقی خلاقانه‌تری آفرید ان مبانی نظری باید در اینجا مطرح شود.»

احسان ذبیحی‌فر دیگر داور این بخش جشنواره موسیقی جوان نیز در این باره اظهار کرد: «اجراهای بخش ویژه آهنگسازی کیفیت قابل قبولی داشتند و شرکت‌کنندگان عملکرد پخته‌تری را به نمایش گذاشتند. این بخش برای اولین بار است در جشنواره جوان حضور دارد و باید اجازه دهیم در سال‌های آینده هم تجربه شود و با گذشت زمان شرکت‌کنندگان بیشتر متوجه فضای ششوند که در آن قرار می‌گیرند. فکر می‌کنم آن چیزی که به لحاظ خلاقیت و ارائه یک برنامه موسیقایی یک‌دست و همین‌طور مبتنی بر سنت‌های موسیقی است باید به‌مرور اتفاق بیافتد و این مقوله پیچیده‌ای برای شرکت‌کنندگان در این سن است. امیدوارم در سال‌های آینده هدف‌گذاری‌های آموزشی به این سمت گرایش پیدا کنند.»

او ادامه داد: «در مجموع با توجه به سن کم شرکت‌کنندگان و تازگی این بخش، اجراها رضایت‌بخش بود. معتقدم نقش آقای اسعدی دبیر جشنواره بسیار پررنگ و حائز اهمیت است چراکه بخش عمده‌ای از این اتفاقات به‌خاطر حضور ایشان است. درواقع ایشان یک موزیسین با دانش هستند که بخش اعظم پیشرفت‌های جشنواره به‌خاطر وجود ایشان است.»

■ ■ ■

باتگاهی نوبه موسیقی ایرانی منتشر شد
«اینک در پچه‌ای به بی کرانگی»



آلبوم «اینک در پچه‌ای به بی کرانگی» به آهنگسازی حامد فکوری و مقدار شاه‌حسینی و خوانندگی اشکان کمانگری از سوی انتشارات فرهنگ فیلم تهران منتشر و رونمایی شد. به گزارش روابط عمومی این اثر، «اینک در پچه‌ای به بی کرانگی»، حاصل تلاش و تفکر بیست‌ساله آهنگسازان آن برای شکل‌گیری این آلبوم است که در قالبی نواز موسیقی ایرانی به مخاطبان عرضه می‌شود. این اثر که بر اساس اشعاری از اخوان ثالث و حسین منزوی شکل گرفته و توسط نوازندگان گروه «اینک» متشکل از حامد فکوری و مقدار شاه‌حسینی نوازندگان تار، شروین مهاجر نوازنده کمانچه، نگار نورا نوازنده ویلن سل، پوریا فرجی نوازنده سنتور و فرهاد صفری نوازنده تنبک و زروان نواخته شده، جمعه ۱۶ شهریورماه ساعت ۱۷ در قالب مراسمی با حضور هنرمندان موسیقی در شهر کتاب دانشگاه رونمایی شد.

بررسی آمار هزینه کرد جشنواره موسیقی فجر در سال ۹۶

آمار و ارقام سخن می‌گویند



نیسا باری، روزنامه‌نگار

هر چند نظر رئیس‌جمهور و دستور او در راستای شفاف‌سازی عملکرد دولت مبنی بر قانون دسترسی آزاد به اطلاعات مدت‌هاست صادر شده و رئیس‌دولت نیز آن را به‌تمامی ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی اعلام کرده است اما گرفتن اطلاعات مالی و هزینه کرد وزارتخانه‌ها و معاونت‌های تحت‌امشان کاری نیست که به‌آسانی سخن‌گفتن رئیس‌جمهور محترم باشد. همان‌گونه که می‌دانید سال‌هاست مدیران میانی فراتر از دستور‌ها عمل می‌کنند و بسیاری از نابسامانی‌ها و رانت‌ها در مجموعه‌های تحت مدیریت مدیران میانی تولید می‌شودای‌پساکه از این‌رو بسیاری برای انتشار هزینه کرد مالی زیرمجموعه‌شان رغبت نداشته باشندو به‌فراخور مساله در این راستا برای خبرنگاران و علاقه‌مندان پیگیر نیز مانع‌تراشی کنند. باین‌همه هفته گذشته در اقدامی بسیار قابل‌تقدیر معاونت هنری وزارت ارشاد گزارش مالی سال ۹۶ خود را منتشر کرد و اجازه

داد آمار و ارقام به‌جای تعارفات سخن بگویند. روندی که می‌بایست برای تمام سالیها و خصوصاً در دوره دولت یازدهم نیز رعایت می‌شد.

آنچه معاونت هنری درباره هزینه کرد بخش موسیقی سال گذشته اعلام کرده است در بخشی جداگانه آمده که چند نکته مهیم دارد اول آنکه هزینه کرد موسسه توسعه هنرهای معاصر، دفتر موسیقی، بنیاد رودکی و بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران مشخصاً قید نشده است و هزینه کردها چنانچه در ردیف‌های دیگر گنجانده شده برای ما مشخص نیست. ضمناً هزینه کرد مشخص برای ارکسترهای ملی و سمفونیک تهران و رهبران آنها نیز در این فهرست که قاعدتاً می‌بایست در زیرمجموعه بنیاد رودکی درج می‌شد نیز وجود ندارد. اما باین‌همه، هزینه کرد جشنواره موسیقی فجر در سال گذشته در ۲۱ ردیف اول قید شده است که مجموعاً بالغ بر چهار میلیارد تومان هزینه را نشان می‌دهد. جشنواره‌ای که در سه دوره قبلی مدیریت آن بر عهده حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی بود و بسیار حرف‌وحديث و انتقادات را بر خود دید و البته نقاط

تاریک و شبهاتی در هزینه کرد او برای جشنواره و سیاست‌گذاری دوره سی و سوم نیز بر جای گذاشت و حالا انتشار این اسناد، اطلاعات مالی تاحد کافی پیش‌روی ماست و به‌خوبی بر ملاکننده نحوه مدیریت جشنواره موسیقی فجر در سال گذشته است. اولین مساله میزان بودجه جشنواره است که مبلغ یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان اعلام شده و هزینه کرد بیش از ۴ میلیارد تومانی نشان می‌دهد که دو میلیارد دو و بیست میلیون تومان فراتر از بودجه خرج شده است. یعنی بیش از دو برابر مبلغ بودجه، توسط مدیریت جشنواره هزینه بر روی دست معاونت هنری مانده است. البته شاید بخشی از این رقم با درآمد بخش پاپ پوشش داده شده باشد اما برون‌سپاری جشنواره موسیقی فجر با این‌گونه مدیریت و ولنگاری در مصرف بودجه برای برنامه‌های چندنان و ویژه و بسیار معمولی مسلماً نه تنها افتخاری نیست بلکه باید مدیریت جشنواره قبلی و حتی معاونت اسبق هنری مورد سؤال قرار گیرد که چگونه مدیریت جشنواره را علی‌رغم اعتراضات منتقدین، مدام

مورد تمجید و تشویق خود قرار می‌داد و توجهی به انتقادات به‌جای دلسوزان و کارشناسان نداشت؟ آنهم معاونت اسبق هنری وزارت ارشاد که علی‌رغم وعده در رسانه‌ها برای عدم انتخاب حمیدرضا نوربخش در دوره سی و سوم، خلاف وعده عمل کرد و برای سومین بار مدیریت جشنواره را در سی و سومین دوره بدو سپرد. اکنون در برابر

این ارقام نیز بهتر است سخن بگویند و درباره این همه مخارج سنگین از خود دفاع قابل قبولی ارائه کنند. و بگویند هدف آنها از این بی‌زینس ورشکسته چه بوده است؟

آن‌گونه که آمارها نشان می‌دهند هزینه نوازندگان خارجی بیشترین هزینه جشنواره بوده است که طبیعی می‌نماید، اما رقمی نزدیک به هفتصد و سی میلیون تومان در زمان دلار سه هزار تومانی، برای کدامین گروه‌های طراز اول جهانی خرج شده است؟ و این مساله بیش از همه بارگوکننده سوء مدیریت در بخش بین‌الملل برای دعوت از موزیسین‌های خارجی بوده است که از سر استیصال و نداشتن فرصت کافی و رایزنی شایسته، مجبور به پرداخت مبالغ هنگفت شده‌اند.

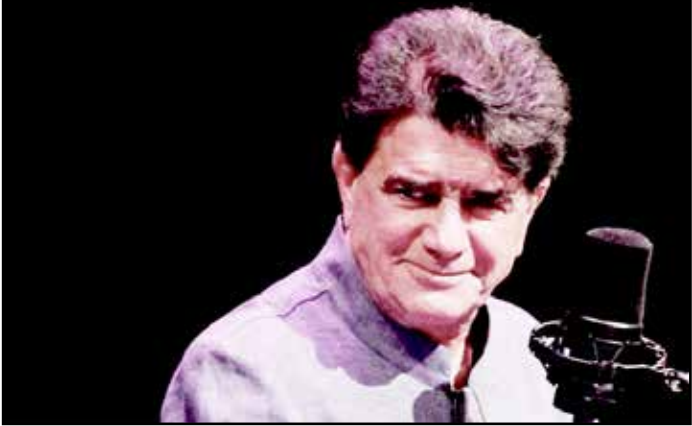
از دیگر آمارهای قابل‌توجه در جشنواره نیز تعداد نفرات اجرایی است که ۳۵۵ نفر در لیست دستمزددرد شده است که باید در این تعداد بیشتر دقیق شد که آیا فستیوال‌های بزرگ جهانی نیز این تعداد نفرات اجرایی دارند؟ آن‌هم هنگامی که تنها ۵ سالن در اختیار جشنواره موسیقی فجر بوده و از اینن تعداد، چهار سالن مختص وزارت ارشاد است که در تمام طول سال در آن کنسرت برگزار می‌شودو تعداد کارمندان و عوامل اجرایی این سالن‌ها قطعاً کمتر از تعداد عوامل اجرایی جشنواره موسیقی فجر در سال ۹۶ است. و بد نیست از مدیران برگزارکننده جشنواره در سال گذشته پرسید که چگونه این تعداد عوامل اجرایی نیاز شده است؟ و آیا همین مساله تأییدکننده این امر نیست که مدیران فستیوال سال ۹۶ باوجود دو سال تجربه پیشین، همچنان ناتوان از مدیریت هزینه و منابع و نیروی انسانی به‌صورت مقتصدانه بوده‌اند؟ و بااگر بوده‌اند آیا در سال گذشته بنا به دلایلی نیازی به رعایت اصول اولیه اقتصاد به‌منظور سوددهی در یک فعالیت اقتصادی نداشته‌اند؟

هر چند عوامل جشنواره اصرار

ادغام این دو محل

هزینه (روابط عمومی و تبلیغات) در یک ردیف بودجه، به‌صورت ضمنی گویای این مساله است که هزینه روابط عمومی همان هزینه در تبلیغات بوده و نشان‌دهنده نگاه مدیران جشنواره به مساله پراهمیتی چون روابط عمومی است که آن را چیزی جز بنگاه تبلیغات نپنداشته‌اند

داشتند عنوان کنند که جایزه باربد بزرگ‌ترین دستاورد مدیریت آنهاست و به علت پرداخت سکه به‌عنوان جایزه، بودجه زیادی را می‌بایست مصرف کنند اما آمارها نشان می‌دهد که جوایز و داوری‌های اعلام‌شده (تنها بخش داوری موسیقی سنتی اعلام‌شده است) درسی و سومین دوره تنها یک‌سی‌ام جشنواره چهار میلیارد تومانی، هزینه‌بری داشته است. و اما سر فصل بسیار مهم که بخشی از آن به‌صورت مبهم در این اسناد مالی ارائه شده، مربوط به روابط عمومی و تبلیغات جشنواره سی و سوم است که مبلغ بالایی نزدیک به ۳۷۷ میلیون تومان بوده وای کاش به تفکیک، هزینه روابط عمومی و هزینه تبلیغات قید می‌شد تا مشخص شود حاشیه‌هایی که در روابط عمومی وجود داشت تا چه میزان صحت دارد و البته مشخص‌تر گردد تبلیغات به‌صورت آشکارا چقدر هزینه در بر داشته است. اما به علت ادغام این دو محل هزینه (روابط عمومی و تبلیغات) در یک ردیف هزینه، به‌صورت ضمنی گویای این مساله است که هزینه روابط عمومی همان هزینه در تبلیغات بوده و نشان‌دهنده نگاه مدیران جشنواره به مساله پراهمیتی چون روابط عمومی است که آن را چیزی جز بنگاه تبلیغات نپنداشته‌اند.



مجلس یک‌بار برای همیشه عزم خود را جزم کند تا بلکه قانون کیی‌رایت در ایران تصویب گردد تا همگان طعم خوب احترام به حقوق مؤلف را به رسمیت بشناسند.

رسمیت شناخته شده و محق شده‌اند.

علی‌ای حال از آنجایی که امکان دارد در بروکراسی اداری دیوان سال‌های رفت‌وآمد پرونده و تحقیق به طول بیانجامد بهتر است

شود هر چند نتیجه نیک باشد.

از این‌رو وقتی قاضی دادگاه، استاد شجریان را از روی عدم آگاهی و شناخت کافی توسط صداوسیما به شهرت رسیده می‌داند باید او را نهیب زد تا بیشتر در حوزه دین‌داری و مذهب و آیین خویش دقت بورزد تا ساده‌ترین مسائل دینی را به تالی فاسد یا سالم آنها پیوند نزند و حکم‌های پذیرفته‌شده تمام ادیان را برهم نریزد.

همچنین بهتر است به‌و قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را متذکر شد چرا که سال‌هاست تمام آنچه منتشر می‌شود بر این اصل حقوقشان به

کسی بدون اجازه، ناپسند و گناه دانسته شده تا امنیت جان و مال مردم تأمین شود. همان‌گونه که در تمام ادیان و مذاهب و فرقه‌ها، در حوزه اخلاق دزدی یا برداشتن مال کسی بدون اجازه صاحب آن نکوهش شده و بد تلقی می‌گردد. در هیچ فرقه دینی و اندیشه‌ای و اخلاقی نیز درباره نتیجه حاصل از دزدی قضاوتی نشده است و هیچ حاکم شرعی نیست که بگوید فعل حرام دزدی با نتیجه حاصل از آن قضاوت می‌گردد که آیا خوب است یا بد است. چرا که عمل زشت به‌خودی‌خود بد و ناپسند شمرده می‌شود نه به علت نتیجه‌ای که ممکن است از آن حاصل

ابلا موسی زاده، روزنامه‌نگار

بعد از نه سال که از شکایت و کیل استاد شجریان از صداوسیما می‌گذرد، و بعد از این همه روز و سال صرف وقت، برای بررسی ادله توسط دادگاه، قاضی دست‌آخر اعلام کرد صداوسیما استاد شجریان را به شهرت رسانده است و شکایت او را رد کرد. یعنی شکایت را حتی جایز به مطرح‌شدن ندانست حال آنکه بارها استاد شجریان اعلام کرده است که راضی نیست به‌غیر از دعای ربنا هیچ کدام از آثار او از صداوسیما پخش شوند.

آنچه مسلم است در شرع برداشتن مال

نگاهی به آلبوم «گریه‌ی ابر»

گرم و بی ادعا

میرعلیر ضامیرعلینی

گریه‌ی ابر به خوانندگی کاوه یوسفزاده و آهنگسازی حسین پرنیا با اشعاری از خواجوی کرمانی، رهی معیری، فخرالدین عراقی و حمید چشم‌آور.

این صداز «بم» آمده است. صدایی در اصطلاح اهل فن «سوخته و کویری». تولید و انتشار این آلبوم‌ها در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها و گرفتاری‌های شبکه پخش آثار صوتی و معرفی آنها، این مجال را نمی‌دهد که ثمره تلاش‌های افراد علاقه‌مند و مستعد، در محیط شلوغ و پرازدحام تولید موسیقی در پایتخت شنیده شوند. حتی



اگر نام آهنگساز پرکار و در حد خود نامداری مثل حسین پرنیا پشت آن قرار داشته باشد. صدای کاوه یوسفزاده از بم برآمده است. از دیار استادش ایرج بسطامی و آخرین آهنگسازی که با بسطامی کار کرد اولین آهنگسازی است که با او این آلبوم را تدارک کرده‌اند. کاوه یوسفزاده سی و پنج‌ساله، محضر ایرج بسطامی، استاد نصرالله

ناصرپور و محمد ملاآقایی را دیده و به امر استاد مسلم، اکبر گلپایگانی، اولین اثرش را تولید کرده است. گریه‌ی ابر شامل شش قطعه آهنگسازی شده است و معلوم نیست چرا سه قطعه اول نام معین دارند و دو تایی آخری، به نام‌های تصنیف دشتی و تصنیف شور نامیده شده‌اند و نام معینی برای آنها در نظر گرفته نشده است. قطعات برای شش ساز و اجرای استودیویی (لایپن) چهار نوازنده ساخته شده‌اند و نحوه پرداخت نغمه‌ها، کاراکتر ریتمیک آنها، جمله‌بندی و نحوه صداگیری از گروه، شاخص آثار پرنیاست.

در بین سازها، صدای آرشه و کمان ملیح علیرضادریایی، نوازنده شناخته‌شده ویولن و کمانچه به زیبایی اجرا افزوده است. مشخص است که شخص آهنگساز کار دشوار صدابرداری و ویرایش خط آوازی را انجام داده و اولین اثر هر خواننده‌ای در هر سطحی که هست، حاوی و نمایانگر نقاط قوت و ضعف اوست. باین حال، در این آلبوم، باهمه نقص‌ها

و کاستی‌هایی که شنوایی ورزیده اهل فن و متخصصان می‌توانند آنها را بیابند، کیفیت صدای ذاتی کاوه یوسفزاده، گرمی لحن و تأثیرگذاری نحوه اجرای وی، چیزی نیست که از نظر دور بماند. استاد علی اکبر گلپایگانی همچون همیشه درست تشخیص داده‌اند و برای انتشار اولین آلبوم، شرایط صدایی یوسفزاده را مناسب دانسته‌اند. گریه‌ی ابر کاری است ساده و بی‌ادعا و دارای فضایی صمیمی و لحظه‌های گیرا. مهم‌تر از همه این که از ابتلا‌ی به گرایش مسلط لحن و بیان در فضای آواز امروز، دور است و بدون این که هیچ قصدی برای نزدیکی و یادوری از آن نداشته باشد، خیلی آشکارا «خودش» است و نه کس دیگر.

فردیت غیر تقلیدی، در هر شکلی و در هر سطحی که باشد به‌خاطر اصالت منحصر به‌فرد خودش، قابل اعتناست و در شرایط حاضر، این دقیقاً همان مطلبی است که به هیچ وجه نباید دست کم گرفته شود.